

ایران و عمان در آستانه توافق برای ترتیبات جدید تردد در تنگه هرمز

اذعان رسانه‌های آمریکایی به شکست پروژه کاخ سفید برای خارج کردن کنترل تردهای تنگه از دست ایران

راه نافر جام ترامپ

گروه سیاسی: به نظر می‌رسد توافق ایران و عمان

بر سر ترتیبات آینده تنگه هرمز بالاخره به مراحل پایانی خود رسیده‌است. مذاکرات ۲ ماهه ۲ کشور ساحلی راهبردی‌ترین آبراه جهان، با پیشرفت‌های فنی و حقوقی همراه بوده و اگر از سوی آمریکا کارشکنی و دخالتی شکل نگیرد، می‌توان این فرآیند را عملاً به سرانجام رسیده تلقی کرد. این ارزیابی بر پایه اظهارات رسمی مقامات کشورهای است.
تنگه هرمز، حیاتی‌ترین گذرگاه انرژی جهان که بیش از یک‌پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کند، ۵ ماه قبل در پی جنگ تجاوزکارانه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی علیه ایران، مسدود شد. اکنون تهران و مسقط در آستانه اعلام ترتیباتی هستند که می‌تواند معادلات کشتیرانی در این آبراه را برای سال‌های آینده بازتعریف کند.

سخت‌گویی وزارت امور خارجه روز گذشته در پاسخ به سوالات خبرنگاران درباره برخی گزارش‌های رسانه‌های منطقه و غرب راجع به مذاکرات ایران و عمان، تصویر روشنی از وضعیت فعلی ارائه کرد. اسماعیل بقائی تأکید کرد: «گفت‌وگوهای ایران و عمان به عنوان ۲ دولت ساحلی تنگه هرمز، با هدف تعیین یک مسیر تردد ایمن برای کشتیرانی تجاری در این تنگه در ۲ ماه اخیر در جریان بوده و ابعاد مختلف فنی، حقوقی، امنیتی و زیست‌محیطی آن در مراجع ذی‌صلاح کشورمان مورد بررسی قرار گرفته است.» وی روند مذاکرات ۲ کشور را «حرف‌آی» و «رو به جلو» ارزیابی و اظهار کرد: «خصصات جغرافیایی مسیر مد نظر طرفین، مورد تفاهم قرار گرفته

و چنانچه برخی طرف‌های سوم در این زمینه کارشکنی نکنند، بیانه مشترک ۲ کشور مشتمل بر ملاحظات و نکات عمده مورد توافق نیز در مرحله بررسی و تدوین نهایی است.» این سخنان نشان می‌دهد بخش مهمی از کار فنی و حقوقی به نتیجه رسیده و تنها مانع احتمالی، دخالت کشورهای سوم (به‌ویژه آمریکا) است. بقائی همچنین درباره تأثیر این تفاهم دوجانبه بر وضعیت امنیتی و کشتیرانی تجاری در تنگه هرمز خاطر نشان کرد: «به‌سته شدن تنگه هرمز ناشی از تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونی علیه ایران و پیامدهای امنیتی آن برای کل منطقه بود و قاعدتا تفاهم ایران-عمان فی‌نفسه نمی‌تواند به معنای امن شدن تنگه برای کشتی‌های عبوری باشد، چرا که عوامل ناامن‌کننده تنگه هرمز از سوی آمریکا، به‌ویژه محاصره دریایی و دیگر اقدامات تجاوزکارانه و تهدیدآمیز علیه ایران و منافع آن همچنان وجود دارد.»

در همین راستا، یک منبع آگاه نیز به صدواسیما اعلام کرد توافق احتمالی ایران و عمان درباره تنگه هرمز، هیچ ارتباطی با باز شدن فوری این آبراه ندارد و در صورت ادامه تخلفات آمریکا، تنگه هرمز حتی با توافق نیز باز نخواهد شد. این موضع‌گیری صریح به معنای آن است که توافق تهران و مسقط درباره تنگه هرمز، به هیچ‌وجه به معنای نادیده گرفتن اقدامات آمریکا از سوی ایران نیست. ایران بارها تأکید کرده توافق دوجانبه با عمان، مستقل از رفتارهای خصمانه واشنگتن تعریف می‌شود و تا زمانی که محاصره دریایی بنادر ایران و تهدیدهای نظامی ادامه داشته باشد، امنیت واقعی کشتیرانی مذاکرات ایران و عمان نشان می‌دهد واقعیت

موجودی تسلیحات که ۲ منبع آگاه از آن خبر داده‌اند، ارتش آمریکا در مقایسه با میزان ذخایر پیش از آغاز جنگ، نزدیک به چهارپنجم موجودی موشک‌های رهگیر سامانه تاد (THAAD) و حدود نیمی از موشک‌های رهگیر سامانه پاتریوت را به کار برده است.

سی‌ان‌ان اضافه کرد کاهش شدید موجودی موشک‌های سامانه تاد تاکنون گزارش نشده بود. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS) برآورد کرده ایالات متحده پیش از آغاز تجاوز علیه ایران، حدود ۲ هزار و ۲۰۰ فروند موشک رهگیر پاتریوت (از ۲ نسخه پیشرفته این سامانه) و ۴۵۲ فروند موشک سامانه تاد در اختیار داشته است.

سی‌ان‌ان ادامه داد: کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز نگرانی‌های تازه‌ای را درباره پیامدهای کمبود سامانه‌های پدافند هوایی مطرح کرده‌اند. این کشورها نگرانند در صورت تصمیم دونالد ترامپ برای تشدید احتمالی درگیری‌های جاری، کاهش ذخایر سامانه‌های دفاعی، توان آنها را برای مقابله با هر گونه اقدام تلافی‌جویانه احتمالی از سوی ایران تضعیف کند.

بحران کمبود موشکی در ارتش پرادعی آمریکا دیگر چیزی نیست که بتوان آن را پنهان کرد، بلکه حتی منابع آمریکایی نیز به صراحت به کمبود موشک‌های رهگیر در ارتش آمریکا اذعان کرده‌اند. تلویزیون آمریکایی سی‌ان‌ان هم در تازه‌ترین گزارش خود اذعان کرد دولت دونالد ترامپ در پی حملات علیه ایران با کاهش شدید تسلیحات مواجه بوده و نزدیک به چهارپنجم ذخیره موشک‌های سامانه دفاع موشکی تاد و حدود نیمی از موشک‌های رهگیر سامانه پاتریوت را مصرف کرده است.

به گزارش «وطن امروز»، سی‌ان‌ان در این گزارش افزود: ارتش آمریکا نزدیک ۸۰ درصد از موشک‌های رهگیر یکی از سامانه‌های کلیدی دفاع موشکی خود را به کار برده و فرماندهان ارشد نظامی آمریکا هشدار داده‌اند که ذخایر مهمات پنتاگون به سطحی به‌شدت پایین و نگران‌کننده رسیده است. سی‌ان‌ان در ادامه این گزارش ادامه داد: ذخایر سامانه‌های اصلی پدافند هوایی به‌ویژه در جریان جنگ با ایران به‌شدت کاهش یافته است. بر اساس تازه‌ترین گزارش

ادامه از صفحه اول

در این مقطع تاریخی، شیخ‌نشین‌های منطقه از یک سو به دلیل همکاری با واشنگتن زیر شدیدترین ضربات نظامی ایران قرار گرفتند و در نتیجه انسداد تنگه هرمز

و گسترش ناامنی به سراسر منطقه، عملاً تمام صنایع نفت، گاز، گردشگری، هوایی، هوش مصنوعی، دریاوردی و دیگر بخش‌های اقتصادی آنان تحت‌الشعاع این بحران قرار گرفت و متحمل خسارات چشمگیری شدند و از سوی دیگر، این کشورها نه‌تنها تحت حمایت چتر نظامی کاخ سفید قرار نگرفتند، بلکه مقامات آمریکا، بی‌اعتنا به پیامدهای تداوم تنش در سراسر منطقه، صرفاً در مسیر تأمین انرژی سرزمین اشغالی و کاهش پیامدهای احتمالی جنگ بر صنایع و زیربنای آمریکا گام برداشتند. ترامپ در اثنای جنگ، با خشنودی با انتشار ویدئویی از حضور نفخکش‌ها و کشتی‌های حامل ال‌ان‌جی در بنادر آمریکا از افزایش فروش شرکت‌های انرژی آمریکایی خبر داد و بدون اشاره به نقش ایالات متحده در بحران حاکم بر تنگه هرمز و کاهش قابل ملاحظه صادرات انرژی از منطقه، این بحران را مسأله‌ای بی‌ارتباط با آمریکا و مشکلی متعلق به کشورهای منطقه دانست. وی همچنین هر گونه مشارکت آمریکا در تأمین امنیت منطقه را منوط به پرداخت هزینه‌های مالی آن از سوی کشورهای ثروتمند عرب عنوان کرد.

برآیند تحولات حاکم بر غرب آسیا در ماه‌های اخیر گواه آن است که شیخ‌نشین‌های منطقه با وجود اثرپذیری قابل ملاحظه از هر گونه تشدید تنش‌ها و انجام رایزنی‌های متعدد برای تأمین منافع خود از طریق گفت‌وگو با ایران، آمریکا، پاکستان، ترکیه و دولت‌های اروپا، عملاً در ملاحظات و تمهیدات کاخ سفید نادیده گرفته شده‌اند. این مسأله با پاس، ناخشنودی و خشم اعراب همراه شده و آنان را به‌تدریج به‌سوی کاهش وابستگی به کاخ سفید سوق داده است.

اتخاذ این رویکرد گرچه ریشه در سیاست‌های سودجویانه واشنگتن طی سال‌های متمادی دارد، اما تحولات پس از جنگ رمضان در حکم کاتالیزور عمل کرده و اعراب را مجاب کرده تا در مسیر کسب استقلال نسبی از کاخ سفید گام بردارند. تهدید تهران به حملات موشکی و پهنای به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس اگرچه با اعتراض رسمی آنان به واشنگتن همراه نشده اما در لفافه انتقاداتی از آن سوی مقامات آن کشورها برانگیخته است.

■ **مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری رویه جدید**

۱- **مطالبه دریافت هزینه از شیخ‌نشین‌های خلیج فارس**



راستا، یک کارشناس امنیتی صهیونیست نیز به سی‌ان‌ان گفت: بازگرداندن تنگه به وضعیت پیش از بحران، یا نیازمند تغییر رژیم در ایران بود یا تلاش نظامی پایدار برای تحمیل کنترل؛ هیچ کدام از نظر سیاسی و استراتژیک برای واشنگتن قابل قبول نبود و گاهی نامطلوب‌ترین گزینه، تنها گزینه واقع‌بینانه است.

بنا بر گزارش سی‌ان‌ان، اینک بازارهای نفت جهان با کاهش ذخایر خام مواجهند. مدیرعامل آرمکو عربستان گفته حتی اگر تنگه امروز باز شود، ممکن است تا ۱۸ ماه طول بکشد تا ذخایر تخلیه شده دوباره بر شود. هر روز بدون توافق، یعنی ۱۵ میلیون بشکه نفت خام از این آبراه باریک به بازارهای جهان نمی‌رسد. این فشار اقتصادی، یکی از دلایلی است که واشنگتن را به سوی پذیرش نسبی واقعیت میدانی سوق می‌دهد.

سی‌ان‌ان با اشاره به وجود مسیرهای شمالی

و جنوبی برای تردد در تنگه هرمز، نوشت: به نظر می‌رسد آنچه روی میز است، ادغام آنهاست، با حفظ سطحی از کنترل توسط ایران که با خواسته‌های ایالات متحده مغایرت دارد.

علاوه بر سی‌ان‌ان، خبرگزاری رویترز نیز معتقد است هر گونه کنترل بر تنگه هرمز، امتیاز بزرگی

میدانی و اهرم ایران پس از جنگ، واشنگتن را در موقعیتی قرار داده که گزینه‌های محدودی دارد و ناچار است با خواسته ایران کنار بیاید.

در همین رابطه، شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان در مورد تنگه هرمز در حال شکل‌گیری است اما نه توافقی که ترامپ بخواهد» به تفصیل به این موضوع پرداخت. سی‌ان‌ان به‌روشنی اشاره کرد همه مقامات ایران اصرار دارند رژیم حقوقی تنگه به وضعیت پیش از جنگ بازخواهد گشت؛ وضعیتی که هیچ کشوری کنترل کشتیرانی را در دست نداشت. بنا بر اعلام این رسانه، کنترل یا نظارت بر این گذرگاه برای تهران به اندازه حق غنی‌سازی هسته‌ای، خط قرمز شده است. از

منظر آمریکا، چنین اهرمی غیرقابل قبول است. رویو اخیراً گفته بود اگر طوری شود که یک دولت

بتواند تصمیم‌گیر آبراه بین‌المللی را کنترل کند، عوارض بگیرد و در صورت عدم پرداخت، کشتی‌ها را هدف بگیرد، سابقه بسیار خطرناکی برای سایر نقاط جهان شکل می‌گیرد.

سی‌ان‌ان یادآوری می‌کند تهران به دنبال تبدیل اهرم به دست آمده در جنگ به نقش سیاسی و نهادهی پایدار در حکمرانی یکی از مهم‌ترین آبراه‌های استراتژیک جهان است: «با

نهادهی کردن نقش پایدار در حکمرانی هرمز، ایران می‌تواند بخش عمده‌ای از نفوذی را که در جنگ به دست آورد، بدون اتکا به اجبار نظامی مداوم حفظ کند.» این دستاوردی بسیار بزرگ‌تر از هر گونه عوارض یا هزینه خدمات است. در همین

محدود به جنگ اخیر با ایران نیست و طی سال‌های گذشته نیز بارها از سوی مقام‌های نظامی و اندیشکده‌های آمریکایی درباره آن هشدار داده شده بود. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS) در گزارش‌های خود تأکید کرده جنگ اوکراین، عملیات طولانی‌مدت آمریکا در دریای سرخ و افزایش تعهدات نظامی واشنگتن در غرب آسیا، فشار بی‌سابقه‌ای بر زنجیره تأمین و ذخایر موشکی ارتش آمریکا وارد کرده است.

کمیسیون راهبردد دفاع ملی آمریکا (National Defense Strategy Commission) نیز پیش‌تر در گزارش خود اعلام کرده بود پایگاه صنعتی دفاعی آمریکا توان تولید مهمات و موشک با سرعت متناسب با جنگ‌های پرشدت را ندارد و در صورت وقوع یک جنگ بزرگ، ذخایر تسلیحاتی ایالات متحده ظرف مدت کوتاهی به پایان خواهد رسید.

در همین راستا، ژنرال گرگوری گیبو، فرمانده فرماندهی شمالی آمریکا (NORTHCOM) نیز چند ماه پیش در نشست کنگره هشدار داده بود افزایش حملات موشکی و

پهنای در منطقه، مصرف موشک‌های رهگیر آمریکا را به شکل کم‌سابقه‌ای افزایش داده و بازسازی این ذخایر به زمان و بودجه قابل توجهی نیاز دارد.

از سوی دیگر، گزارش سالانه دفتر پاسخگویی دولت آمریکا (GAO) نیز نشان می‌دهد بسیاری از برنامه‌های تولید موشک‌های رهگیر، از جمله سامانه‌های پاتریوت و تاد، با مشکلات زنجیره تأمین، کمبود برخی قطعات حساس و تأخیر در افزایش ظرفیت تولید مواجهند. بر اساس این گزارش، تولید موشک‌های پیشرفته نمی‌تواند با سرعت مصرف آنها در

همچنین روزنامه ال‌اس‌تریت ژورنال و خبرگزاری بلومبرگ در ماه‌های اخیر گزارش داده‌اند وزارت جنگ آمریکا از شرکت‌های تسلیحاتی خواسته ظرفیت تولید موشک‌های پاتریوت، تاد، استانداندر ۳ (SM-۳) و استانداندر ۶- (SM-۶) را به طور اضطراری افزایش دهند، زیرا مصرف این موشک‌ها در اوکراین، دریای سرخ و جنگ اخیر با ایران، بسیار فراتر از برآوردهای اولیه پنتاگون بوده است.

با ائتلاف آمریکایی – صهیونیستی در مواجهه با جمهوری اسلامی، به‌شکل تدریجی زمینه تحول در سیاست‌های کلان حکومت‌های عرب را فراهم آورده؛ امری که نشانه‌های آن به‌صورت روزافزون در حال پدیدار شدن است.

■ **پیامدهای تحول در سیاست کلان امنیتی شیخ‌نشین‌های منطقه**
جنگ تحمیلی آمریکا علیه جمهوری اسلامی و پیامدهای ناشی از آن، بدون تردید از مهم‌ترین وقایعی است که در سطوح مختلف، پیامدهای گسترده‌ای بر نظم نوین جهانی تحمیل خواهد کرد. با توجه به فروکش نکردن نزاع در مقطع کنونی و احتمال تشدید تنش‌ها در منطقه و سرایت بحران به دیگر مناطق، پیش‌بینی تمام ابعاد و جوانب متأثر از این جنگ در شرایط فعلی دشوار است.

با این حال، در سطح تحولات امنیتی – سیاسی حاکم بر شبه‌جزیره عربستان، برخی تحرکات انکارناپذیر با جدیت از سوی اعضای شورای همکاری خلیج فارس دنبال می‌شود یا در شرف وقوع است. مهم‌ترین پیامدهای این نزاع در برهه کنونی – که کثدت و بیغف آنها به آینده رویارویی با توافق احتمالی میان تهران و واشنگتن وابسته است – از این قرار است:

الف) **نزدیکی روزافزون رژیم‌های پادشاهی به چین و روسیه**
و از میان رفتن موقعیت انحصاری آمریکا در غرب آسیا: سرمایه‌گذاری گسترده چین در منطقه، خریدهای تسلیحاتی از روسیه و تهدید اخیر سعودی مبنی بر انعقاد قرارداد هسته‌ای با مسکو در صورت تداوم پی‌میلی آمریکایی‌ها، نمادهایی آشکار از پیامدهای جنگ رمضان محسوب می‌شود.

ب) **افزایش واگرایی اعضای شورای همکاری خلیج فارس**: مهم‌ترین پیامد جنگ اخیر را می‌توان در تشدید واگرایی اعضای شورای همکاری مشاهده کرد. بحرین، کویت و امارات

در پی ایجاد موازنه، بیش از گذشته به رژیم صهیونیستی و آمریکا متمایل شده‌اند، درحالی که قطر و عربستان مسیری متفاوت را در پیش گرفته‌اند. عمان نیز همچون گذشته در مسیر بی‌طرفی گام برداشته است. اختلافات فاحش میان اعضای شورای همکاری موجب شده برخی تحلیلگران درباره احتمال تضعیف شدید یا حتی فروپاشی این نهاد گمانه‌زنی کنند

پ) **افزایش تمایل برخی شیوخ منطقه به برقراری مناسبات حسنه با تهران**: سعودی، قطر، عمان و حتی امارات اقدامات متفاوتی در این زمینه اتخاذ کرده‌اند. تلاش عمان برای مجاب کردن ایران به دست‌نهایی به توافقی دوجانبه درباره تنگه هرمز، مانع‌ت عربستان از بهره‌گیری آمریکا از خاک و حریم هوایی آن کشور برای حمله به ایران، گزارش‌های

گزارش «وطن امروز» از جدیدترین اخبار درباره بحران ذخایر سامانه‌های پدافند هوایی آمریکا

پنتاگون بی‌موشک

این رسانه آمریکایی افزود، به گفته چندین مقام، شماری از این کشورها که برای دفاع هوایی خود به سامانه‌های آمریکایی متکی هستند، ناخن کرده‌اند کاهش ذخایر این سامانه‌ها می‌تواند توان آنها را برای رهگیری موشک‌ها و پهپادها محدود کند.

■ **عصبانیت وزیر جنگ ترامپ**

از سوی دیگر گزارش شبکه سی‌ان‌ان درباره کمبود ذخایر موشکی آمریکا و به‌کارگیری بخش اعظم سامانه‌های تاد و پاتریوت در تجاوز علیه ایران، خشمم وزیر جنگ دولت دونالد رامپ را برانگیخت. «پیٔت هگست» گزارش سی‌ان‌ان مبنی بر اینکه ارتش ایالات متحده در جریان تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران نزدیک ۸۰ درصد موشک‌های رهگیر سامانه تاد خود را استفاده کرده است، رد کرد.

وزیر جنگ آمریکا با عصبانیت خطاب به سی‌ان مدعی شد: «این تیتیر حقیقت ندارد. سی‌ان‌ا! شرم بر تو، ما به اندازه کافی از رسانه‌های اخبار جعلی متنفر نیستیم».

■ **چرا ارتش آمریکا با بحران موشکی روبه‌رو شد؟**

گزارش‌ها نشان می‌دهد کمبود ذخایر موشکی آمریکا

پس لرزه‌های جنگ در خلیج فارس

به کاخ سفید، واشنگتن بی‌پرواثر از گذشته با کنار گذاشتن ملاحظات بین‌المللی و حقوق بشری، از رژیم صهیونی حمایت کرده است. آمریکا ضمن حمایت از سیاست ایجاد مناطق کره در کشورهای همسایه رژیم، به پشتیبانی تمام‌عیار از ایدۀ تسلط صهیونیست‌ها بر سراسر فلسطین اشغالی «از بحر تا نهر» پرداخته است.

سیاست‌های نظامی رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر صرفاً به مقابله با نیروهای مقاومت محدود نبوده و دامنه آن متحდან شیخ‌نشین‌های منطقه و در رأس آنان، رژیم تروریست تحریرالاشم را نیز دربر گرفته‌است. حمایت یک‌جانبه کاخ سفید از تل‌آویو و نادیده گرفتن مطالبات اعراب، به‌تدریج رژیم‌های عرب را به اتخاذ سیاست‌هایی مستقل‌تر از کاخ سفید سوق داده است.

۶- **نگرانی ضاعف از دگردیسی همزمان احزاب جمهوری خواه**

و **دموکرات**: به موازات قدرت‌گیری روزافزون جناح مترقی و چپ‌گرا در حزب دموکرات – که ظهوران مدّانی شیعه نمادی از تلّقی می‌شود – که از دیرباز در زمره منتقدان حکومت‌های خودکامه عرب به شمار می‌آمده است، حزب جمهوری خواه نیز دست‌خوش تغییراتی شگرف شده و دیدگاه‌های برگرفته از محافظه‌کاران سنتی و چهره‌های نمادینی چون ریگان، نیکسون و بوش، به‌تدریج جای خود را به جناح‌های انزواگرا و کم‌میل به مداخلات بین‌المللی داده‌اند. این تحولات بیش از پیش رژیم‌های پادشاهی عرب را نسبت به آینده مناسبات خود با دولت‌های آمریکا مضطرب و نگران کرده و آنان را به سوی سیاست‌های جایگزین سوق داده است.

۷- **رشد روزافزون بی‌ثباتی، ناامنی و ناخرسندی جوامع عرب از تثبیت بقای جمهوری اسلامی**: مقاومت منحصربه‌فرد جمهوری اسلامی در برابر ۲ قدرت ژهنده ست‌های و واداشتن آنان به مذاکره با تهران، بدون تردید زمینه تحول در منظومه فکری اعراب درباره مواجهه با ایران را فراهم کرده است. از زمان حکمرانی ملک عبدالله در سعودی، تمایل شیوخ منطقه به «له کردن سر مار» – اشاره به ایران – به یکی از ستون‌های دکترین امنیتی – نظامی شیخ‌نشین‌های محافظه‌کار منطقه تبدیل شده بود.

اکنون، با ایستادگی کم‌نظیر جمهوری اسلامی در برابر آمریکا که ناظران منطقه‌ای آن را نشانه‌ای از ورود به عصری جدید در مناسبات جهانی ارزیابی کرده‌اند، بستر مناسبی برای تحول در نگاه اعراب به همسایه شمالی خود فراهم آمده است.

۵- **پی‌میلی کاخ سفید به مهار سیاست‌های جاه‌طلبانه تانیاهاو**
در لبنان، سوریه و **نوار غزه**، همزمان با واداشتن اعراب به پیوستن به پیمان **آبراهام**، از زمان بازگشت مجدد ترامپ